



پدیده اعتکاف، کنشی معکوس که نظریه «نسل زد» را زیر سوال برده است

چگونه نسلی که متهم به گسست از سنت و غرق شدن در دنیای مجازی است، به آغوش یکی از عمیق‌ترین و سنتی‌ترین مناسک عبادی پناه آورده است؟

چگونه نسلی که متهم به گسست از سنت و غرق شدن در دنیای مجازی است، به آغوش یکی از عمیق‌ترین و سنتی‌ترین مناسک عبادی پناه آورده است؟

خبرگزاری مهر، یادداشت مهمان-احمد عابدینی: از اواخر دهه ۹۰ شمسی ادبیاتی در فضای علوم اجتماعی ایرانی پرنرنگ شده که تلاش می‌کرد تفاوت‌ها و تمایزات رفتاری و فکری نسل‌های جدید خصوصاً متولدین دهه هشتاد را ذیل مفاهیم ترجمه‌ای همچون نسل زد و آلفا توضیح بدهد. این رویکرد پس از اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ جلوه مستحکم‌تری نیز به خود گرفت به طوری که به نظریه پایه برای تبیین لایه‌های روانشناختی اجتماعی این رخدادها نیز تبدیل شد. این انگاره با همه ابهامات و پرسش‌های باقی مانده، از آن پس با سرعت زیادی وارد محاورات سیاسی کشور شد تا جایی که چندی پیش در نطق‌های رسمی مدیران ارشد کشور نیز بروز یافت.

نسل زد، که در ایران اغلب با عنوان دهه هشتادی‌ها شناخته می‌شوند، به متولدین سال‌های ۱۳۷۶ تا حدود ۱۳۹۱ شمسی اطلاق می‌گردد. در این فرضیه وجه تمایز بنیادین و ماهوی این نسل با تمام نسل‌های پیشین، بومی دیجیتال بودن آن‌هاست، بدین معنا که آن‌ها از نخستین سال‌های کودکی و در بحبوحه شکل‌گیری شخصیت اجتماعی‌شان، با اینترنت، گوشی‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی مجازی عجین بوده‌اند. این زیست‌جهان دیجیتال، بستر اصلی جامعه‌پذیری، هویت‌یابی و ارتباط‌گیری آن‌ها با جهان پیرامون است. برپایه این رویکرد جامعه‌شناختی، اسناد و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که این نسل اغلب با ویژگی‌هایی چون واقع‌گرایی، فردگرایی، عمل‌گرایی و تأکید بر تجربه‌های عینی شناخته می‌شود. آن‌ها در دنیایی بالیده‌اند که مرزهای جغرافیایی در آن کم‌رنگ شده و دسترسی به اطلاعات و فرهنگ‌های گوناگون، فوری و نامحدود است و این امری است که جهان‌بینی و نظام ارزشی منحصر به فردی را برایشان رقم زده است.

نظریه‌های رایج جامعه‌شناسی که به تحلیل این نسل می‌پردازند، که می‌توان از آن تحت عنوان نسل‌گرایی عامیانه یاد کرد، مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها را برای این گروه سنی ترسیم می‌کنند. این نظریات بر وجود یک گسست نسلی عمیق در سه حوزه تأکید دارند؛ گسست کلامی (استفاده از واژگان نامفهوم برای نسل‌های قبل)، گسست فعالیتی (فقدان فعالیت‌های مشترک معنادار با والدین) و گسست فرهنگی-اجتماعی (شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های مستقل و پیوندهای درون‌نسلی قدرتمند). بر اساس این دیدگاه، نسل زد، نسلی است که ارزش‌های جهانی را بر سنت‌های محلی ترجیح می‌دهد، لذت‌گرایی و سرگرمی را در اولویت قرار می‌دهد، به دنبال تفکیک‌زدایی جنسیتی است و اصرار چندانی بر نشانه‌ها و مناسک دینی سنتی ندارد. این رویکرد، با تعمیم دادن رفتار بخشی از نسل به کل آن، تصویری یکپارچه، همگون و اغلب سکولار از این نسل ارائه می‌دهد و از تفاوت‌های درونی، فردیت و عاملیت اعضای آن غافل می‌ماند.

در این میان و در حالی که برخی جریانان جامعه‌شناسی و تحلیل‌گران تغییرات فرهنگی با قاطعیت از ظهور نسلی دیجیتال محور، فردگرا و گریزان از سنت‌ها سخن می‌گویند، پدیده‌ای معنوی در قلب جامعه ایران پدید می‌آید که این معادلات و پیش‌بینی‌های خطی را با ابهامات جدی روبرو می‌سازد. حضور انبوه و مشتاقانه جوانان و نوجوانان دهه هشتادی در مراسم اعتکاف، این خلوت سه‌روزه معنوی که نقطه مقابل تمام ویژگی‌های نسبت داده شده به نسل زد است، یک پارادوکس شگفت‌انگیز و قابل تأمل را پیش روی ما قرار می‌دهد. این حضور، فراتر از یک رویداد ساده دینی، یک نمود مهمی از لایه‌های پنهان هویتی است که ما را وادار می‌کند تا در انگاره‌های کلیشه‌ای خود در مورد این نسل بازنگری کنیم و تسلیم مفهوم پردازشی‌های عجولانه و ترجمه‌ای نشویم.

در مراسم اعتکاف سال ۱۴۰۳، حدود ۷۰ درصد از شرکت‌کنندگان جوانان و نوجوانان بوده‌اند که حدود ۴۰ درصد از آن‌ها دانش‌آموزان هستند. چگونه نسلی که متهم به گسست از سنت و غرق شدن در دنیای مجازی است، به آغوش یکی از عمیق‌ترین و سنتی‌ترین مناسک عبادی پناه آورده است؟ روشن است که اعتکاف به عنوان یک کنش معکوس ظاهر می‌شود. این آئین، دعوتی به سه روز انقطاع از جهان بیرون، سکوت، تأمل و مهم‌تر از همه دیجیتال‌زدایی داوطلبانه است. در حالی که نظریه نسل‌گرایی، جوان امروز را اسیر گوشی هوشمند و تشنه ارتباطات مجازی معرفی می‌کند، معتکف جوان با انتخاب آگاهانه خود، این ابزار را کنار گذاشته و به جستجوی نوع دیگری از اتصال برمی‌آید. اتصال با خویشتن، با خالق و با جماعتی که در یک هدف مشترک معنوی گردهم آمده‌اند. این انتخاب، نقدی عملی بر سبک زندگی پرشتاب و سطحی و اعلام نیازی عمیق به معنا،

حضور پررنگ این نسل در اعتکاف، یک شاهد مثال قدرتمند برای نقد نظریه جبرگرایی نسلی است. این پدیده به وضوح نشان می دهد که اولاً، عاملیت فردی وجود دارد و جوانان صرفاً محصولات منفعل محیط خود نیستند، بلکه می توانند آگاهانه مسیر خود را انتخاب کنند. ثانیاً، تفاوت های درون نسلی بسیار چشمگیر است و این نسل یک توده همگون و یکدست نیست، بلکه طیف متنوعی از گرایش ها، از جمله گرایش های عمیق معنوی را در خود جای داده است. ثالثاً، شباهت های میان نسلی را نباید نادیده گرفت، نیاز به معنویت، آرامش و جستجوی معنا، یک فصل مشترک انسانی است که در تمام نسل ها، از جمله این نسل جریان دارد و آن ها را به میراث فرهنگی و دینی نیاکانشان پیوند می دهد.